



فصلنامه علمی پژوهشی آفاق فقاہت

دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴، ص ۳۹ تا ۵۹


تاریخچه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹



بررسی تطبیقی حجیت شهرت فتوایی در مکتب نجف و قم

احسان توکلیان فرد  طلبه سطح چهار حوزه‌ی علمیه‌ی قم

A.fateh313@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

این مقاله به بررسی تطبیقی حجیت شهرت فتوائیه در دو مکتب اصولی نجف و قم می‌پردازد. شهرت فتوائیه به اشتهاار یک فتوا در میان فقها، مستقل از استناد روایی آن، اطلاق می‌شود. پرسش اصلی پژوهش، امکان اتصاف شهرت فتوائیه به حجیت مستقل و تبیین تفاوت رویکرد دو مکتب در این زمینه است؛ مسئله‌ای که از آن رو اهمیت دارد که بسیاری از فتاوا‌ی قدیمی و متلقا‌ة مبتنی بر شهرت‌اند. مکتب نجف با محوریت فقهایی چون شیخ انصاری، آخوند خراسانی، میرزای نائینی و آیت‌الله خویی، با نقد ادله مختلف، شهرت فتوائیه را حجت مستقل ندانسته است. در مقابل، مکتب قم با تأکید بر آرای فقهایی چون محقق حائری، آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و آیت‌الله سبحانی، ضمن نفی حجیت مطلق شهرت، در مواردی خاص به‌ویژه شهرت فتوایی قدما در فقه منصوص و مسائل متلقا‌ة، آن را کاشف از دلیل معتبر و در نتیجه حجت می‌داند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد نجف سخت‌گیرانه‌تر و رویکرد قم تفکیکی و انعطاف‌پذیرتر است. روش تحقیق، تحلیلی-کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه: شهرت فتوایی، حجیت، مقبوله عمر بن حنظله، شهرت عملی، فقه منصوص، ظنون خاصه، مکتب نجف، مکتب قم.

مقدمه

یکی از مباحث محوری و تأثیرگذار در علم اصول فقه که نقش تعیین کننده‌ای در فرآیند استنباط احکام شرعی ایفا می‌کند، بحث حجیت امارات است. در این میان، "شهرت" به عنوان یکی از امارات محتمل، جایگاه ویژه‌ای در این مباحث دارد و همواره مورد کاوش و تحلیل عمیق فقیهان و اصولیان قرار گرفته است. سوال اساسی این مقاله، بررسی تطبیقی رویکرد دو مکتب فقهی و اصولی تأثیرگذار شیعه، یعنی مکتب نجف و مکتب قم، نسبت به حجیت "شهرت فتوائیه" است. آیا شهرت فتوائیه به عنوان یک اماره مستقل، حجیت شرعی دارد؟ و در صورت حجیت یا احتمال حجیت، چه مبانی و ادله‌ای می‌توانند پشتوانه آن باشند؟ این پرسش‌ها در هر دو مکتب مذکور به تفصیل مورد بحث قرار گرفته و پاسخ‌های متفاوتی برای آن‌ها ارائه شده است.

ضرورت این بررسی در آنجاست که، به تعبیر آیت‌الله بروجردی، حدود ۹۰ مسئله فقهی وجود دارند که یگانه مستند و پشتوانه آن‌ها شهرت فتوائیه است. لذا پذیرش یا عدم پذیرش حجیت شهرت فتوائیه، تأثیر شگرفی بر حل این مسائل فقهی و همچنین بر منظومه استنباطی فقیه خواهد داشت.

شهرت در یک تقسیم‌بندی کلی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود:

شهرت روائی (نقلی): به اشتها نقل یک روایت در میان راویان و ارباب حدیث اطلاق می‌شود، فارغ از اینکه فقها بر اساس آن عمل کرده باشند یا خیر.

شهرت عملی: به معنای اشتها عمل فقها به یک روایت و استناد آن‌ها به آن در مقام فتواست، حتی اگر آن روایت در جوامع حدیثی شهرت روائی نداشته باشد. غالب اصولیون بر این باورند که شهرت عملی می‌تواند ضعف سند روایت را جبران کند (جابر) و اعراض از آن، صحت سند آن را از بین ببرد (کاسر). نسبت میان شهرت روائی و عملی عموم و خصوص من وجه است.

شهرت فتوائیه: صرفاً به اشتها یک فتوا در مسئله‌ای خاص اطلاق می‌شود، بدون اینکه الزاماً مستند به روایت خاصی باشد یا مستند آن دانسته شود. (سبحانی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۱۹۲)

مبحث اصلی این مقاله بر حجیت شهرت فتوائیه متمرکز است و به این سوال پاسخ می‌دهد که آیا صرف اشتها یک فتوا در میان فقها، فارغ از مستند احتمالی آن، می‌تواند به خودی خود حجیت داشته و مستند حکم شرعی قرار گیرد؟ این بحث، تفاوتی اساسی میان شهرت فتوائیه قدما و متأخرین قائل نیست، مگر آنکه دلیلی خاص برای این تفکیک ارائه شود.

برخی ادله برای اثبات حجیت شهرت فتوائیه مطرح شده‌اند که اغلب مورد نقد و خدشه قرار گرفته‌اند. این مقاله به بررسی این ادله و نقد آن‌ها بر اساس آراء شیخ انصاری، آخوند خراسانی، میرزای نائینی و آیت‌الله خوئی به عنوان نمایندگان مکتب نجف، و همچنین محقق حائری، آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و آیت‌الله سبحانی به عنوان فقها و اصولیان برجسته مکتب قم می‌پردازد و جایگاه شهرت فتوائیه را تبیین می‌کند. اهمیت این بحث در روشن ساختن حدود اعتبار فتوای مشهور و تمییز آن از ادله اصلی استنباط است.



پیشینه پژوهش: در خصوص حجیت شهرت فتواییه مقالات متعددی نگارش یافته است، از جمله: «بررسی حجیت شهرت فتوایی در اصول متلقات با رویکردی بر دیدگاه، آیت الله بروجردی، خویی و امام خمینی» (فیض و بهرامی نژاد، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۸۷)؛ «حجیت و عدم حجیت شهرت فتوایی» (بلوردی، فقه و حقوق نوین، ۱۴۰۱)؛ «بررسی حجیت شهرت فتوایی از دیدگاه علماء» (حاتمی، آفاق علوم انسانی، ۱۴۰۳)؛ «حجیت شهرت فتوایی قدما با رویکردی به آرای امام خمینی (س)» (بهرامی نژاد و موسوی بجنوردی، پژوهشنامه متین، ۱۳۹۴). اما رویکرد اصلی این مقاله، تفاوت‌های مبنایی مکتب قم و نجف در نوع نگاه به شهرت فتواییه را مورد بررسی تطبیقی قرار می‌دهد، حال آنکه در دیگر مقالات، غالباً به دیدگاه اشخاص خاص یا به صورت کلی به حجیت شهرت فتواییه پرداخته شده است.

۱. فصل اول: حجیت شهرت فتوایی در مکتب نجف

بحث در خصوص حجیت شهرت فتواییه از دیرباز در فقه و اصول مطرح بوده است. متفکران مکتب نجف به تفصیل به بررسی ادله مدعیان حجیت شهرت فتواییه پرداخته و غالباً آن را فاقد حجیت مستقل دانسته‌اند. در ادامه، نظرات برخی از برجسته‌ترین علمای این مکتب را بررسی می‌کنیم:

۱/۱. شیخ انصاری (متوفی ۱۲۸۱ ق)

شیخ اعظم انصاری، از پایه‌گذاران و استوانه‌های اصلی مکتب اصولی نجف، به نقد و بررسی ادله قائلین به حجیت شهرت فتواییه می‌پردازد.

۱/۱/۱. نقد استدلال به اولویت قطعی

شیخ انصاری استدلال به اولویت از خبر واحد را که برخی مطرح کرده‌اند، رد می‌کند. این استدلال بر پایه این فرض استوار است که مناط حجیت خبر واحد، افاده ظن به حکم است، و سپس ادعا می‌شود که شهرت فتواییه ظن قوی‌تری نسبت به خبر واحد ایجاد می‌کند، پس به طریق اولویت قطعی، حجیت دارد.

شیخ انصاری این استدلال را مخدوش می‌داند، زیرا او معتقد است که ادله حجیت خبر واحد دلالت بر این امر ندارند که ملاک حجیت خبر صرفاً افاده ظن است.

عبارت شیخ انصاری در این زمینه چنین است:

«ما یظهر من بعض: من أنّ أدلّة حجّیة خبر الواحد تدلّ علی حجّیّتها بمفهوم الموافقة؛ لأنّه ربما یحصل منها الظنّ الأقوی من الحاصل من خبر العادل.» (انصاری، ۱۴۲۸ ق، ج ۱، ص ۲۳۱)

ایشان نقد خود را به این دلیل اینگونه وارد می‌سازند که اولویت ظنی بسیار ضعیف‌تر از خود شهرت است و نمی‌توان با آن حجیت شهرت را اثبات کرد. مهم‌تر آنکه، شیخ معتقد است که مناط حجیت خبر واحد، صرف افاده ظن نیست، بلکه ممکن است ملاک‌های دیگری در کار باشند که اولویت را از بین ببرند.

«وجه الضعف: أنّ الأولوية الظنية أوهن بمراتب من الشهرة، فكيف يتمسك بها في حجيتها؟! مع أنّ الأولوية ممنوعة رأساً؛ للظنّ بل العلم بأنّ المناط والعلة في حجية الأصل ليس مجرد إفادة الظنّ.» (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۳۱)

۱/۱/۲. نقد استدلال به روایات تعارض (مانند مقبوله و مرفوعه)

شیخ همچنین به ادله‌ای از روایات مانند مقبوله عمر بن حنظله و مرفوعه زراره که برای اثبات حجیت شهرت مطرح شده‌اند، می‌پردازد. ایشان تصریح می‌کند که مراد از "ما" موصوله در این روایات، خصوص "روایت مشهوره" است و نه "فتوای مشهور". او با مثالی روشن می‌کند که استنتاج عموم از چنین عبارتهایی صحیح نیست، زیرا سیاق کلام در این روایات مربوط به تعارض در "روایت" یا "حکم مستند به روایت" است. همچنین، شیخ به اشکال سندی نیز در مرفوعه زراره اشاره می‌کند.

«ولكن في الاستدلال بالروایتين ما لا يخفى من الوهن: أمّا الاولى: فيرد عليها - مضافاً إلى ضعفها، حتى أنه ردها من ليس دأبه الخدشة في سند الروایات كالمحدث البحراني -: أنّ المراد بالموصول هو خصوص الرواية المشهورة من الروایتين دون مطلق الحكم المشهور... والحاصل: أنّ دعوى العموم في المقام لغير الرواية ممّا لا يظنّ بأدنى التفات.» (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۳۳)

از نظر شیخ انصاری، شهرت فتوائیه به خودی خود حجیت ندارد و ادله اقامه شده برای آن، مخدوش و ضعیف‌اند.

۱/۲. آخوند خراسانی (متوفی ۱۳۲۹ ق)

آخوند خراسانی، صاحب کفایة الاصول، نیز دیدگاهی مشابه شیخ انصاری در خصوص عدم حجیت شهرت فتوائیه دارد و ادله قائلین به حجیت را مورد نقد قرار می‌دهد.

۱/۲/۱. نقد استدلال به اولویت قطعی

ایشان درباره استدلال به اولویت از خبر واحد، معتقد است که صرف ظن به اینکه ملاک اعتبار خبر واحد افاده ظن است، برای اثبات اولویت قطعی کافی نیست. آخوند بیان می‌کند که ادله حجیت خبر واحد، دلالتی بر اینکه ملاک اعتبار خبر واحد صرفاً افاده ظن است، ندارند و حداکثر می‌توان از ظن به این ملاک، اولویتی ظنی را برداشت کرد که اعتبار ندارد.

«و لا يساعده دليل و توهم دلالة أدلة حجية خبر الواحد عليه بالفحوى لكون الظن الذي



تفیده اقوی مما یفیده الخبر فیہ ما لا یخفی ضرورة عدم دلالتها علی کون مناط اعتباره إفادته الظن غایتہ تنقیح ذلك بالظن و هو لا یوجب إلا الظن بأنها أولى بالاعتبار و لا اعتبار به مع أن دعوی القطع بأنه لیس بمناط غیر مجازفة.» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۹۲)

۱/۲/۲. نقد استدلال به روایات تعارض (مقبوله و مرفوعه)

آخوند نیز همچون شیخ انصاری، استدلال به مقبوله عمر بن حنظله و مرفوعه زرارہ را برای حجیت شهرت فتواییه ضعیف می‌داند. ایشان تصریح می‌کند که از وضوح کلام امام (ع) در این روایات برمی‌آید که مراد از موصول "ما" در عبارت "خذ بما اشتھر" و "ینظر إلی ما کان من روایتهم"، خصوص "روایت" است و نه فتوای عام.

«و أضعف منه توهم دلالة المشهور ة و المقبولة عليه لوضوح أن المراد بالموصول في قوله في الأولى (: خذ بما اشتھر بين أصحابك) و في الثانية (: ینظر إلی ما کان من روایتهم عنا في ذلك الذي حکما به المجمع عليه بين أصحابك فيؤخذ به) هو الرواية لا ما یعم الفتوى كما هو أوضح من أن یخفی.» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۹۲)

در نهایت، آخوند خراسانی نیز مانند شیخ انصاری، حجیت مستقل شهرت فتواییه را نفی می‌کند.

۱/۳. میرزای نائینی (متوفی ۱۳۵۵ ق)

میرزای نائینی از مراجع تقلید و اصولیان برجسته مکتب نجف، در آثار خود به تفصیل به بحث شهرت پرداخته و حجیت استقلالی شهرت فتواییه را رد می‌کند. ایشان شهرت را به سه قسم اصلی: شهرت روایی، شهرت عملی، و شهرت فتواییه تقسیم می‌کند:

شهرت روایی: به اشتھار روایت بین اصحاب ائمه (ع) از حیث کثرت نقل اطلاق می‌شود. این شهرت را مرجح در باب تعارض خبرین می‌داند و آن را منطبق بر عبارت «خذ بما اشتھر بین أصحابک» در مرفوعه زرارہ می‌شمارد.

«أمّا الشهرة في الرواية فهي عبارة عن اشتھارها بين أصحاب الأئمة عليهم السلام من حيث الرواية بأن يكون الراوي لها كثيرا.» (نائینی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۵۴)

شهرت عملی: اشتھار روایت از حیث عمل به آن و استناد مفتین به آن در فتواست. این شهرت را جابر ضعف سند روایت و کاشف از قرینه‌ای در آن می‌داند. همچنین اعراض مشهور از روایت صحیح را کاسر حجیت آن می‌شمارد، به شرطی که این شهرت یا اعراض از قدماء اصحاب نزدیک به زمان ائمه (ع) باشد.

«و أمّا الشهرة العملية عبارة عن اشتھار الرواية من حيث العمل بأن يكون العامل بها كثيرا... لا إشكال في كون الشهرة العملية جابرة لضعف الرواية و كاشفة عن احتفافها بالقرينة

و كذا لا إشكال في كون كل من الشهرة العملية و الفتوائية على خلاف الرواية كاسرة للرواية الصحيحة إذا كانت بمرأى و مسمع منهم.» (نائینی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۵۴؛ نائینی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۷۴)

شهرت فتوائیه: اشتهار یک فتوا در میان فقها، فارغ از اینکه مستند آن روایت باشد یا خیر. ایشان بر خلاف شهرت عملی، شهرت فتوائیه را جابر ضعف سند نمی‌داند، زیرا جبران تنها با استناد به روایت محقق می‌شود و صرف مطابقت فتوا با روایت، اثری ندارد. اما شهرت فتوائیه از قداما را کاسر حجیت روایت می‌داند، چرا که کسر با اعراض و عدم عمل به روایت محقق می‌شود.

«و أمّا الشهرة الفتوائية: فهي عبارة عن مجرد اشتهار الفتوى في مسألة بلا استناد إلى رواية... وهذه الشهرة الفتوائية، لا تكون جابرة لضعف الرواية... و لكن تكون كاسرة لصحة الرواية إذا كانت الشهرة من القدماء، لأنّ الكسر إنّما يتحقق بالإعراض و عدم العمل بالرواية.» (نائینی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۷۴-۱۷۵)

مبحث اصلی در دیدگاه نائینی، حجیت نفس شهرت فتوائیه (بما هی هی) است که قائلین به حجیت، دلایلی آورده‌اند که ایشان همه را ضعیف می‌شمارد:

۱/۳/۱. نقد استدلال به مرفوعه زراره و مقبوله عمر بن حنظله

میرزای نائینی این استدلال را از چندین جهت رد می‌کند:

عدم اطلاق موصول: ایشان مفهوم موصول «ما» در «خذ بما اشتهر» را محدود به خبر می‌داند نه «هر چیزی». زیرا «ما» از اسما مبهمه است و صلّه و سؤال (که درباره تعارض دو خبر است) آن را به خبر اختصاص می‌دهد. بنابراین، این عبارت فقط درباره خبر مشهور است و نه هر فتوای مشهوری.

«و فيه ان المورد و ان لم يكن مخصصا لعموم العام إلاّ انه فرع وجود العموم في الكلام و المقام ليس كذلك فإن لفظة ما من الأسماء المبهمه فكما ان الصلة المذكورة في الكلام معرفة له فكذلك لفظ الخبر المذكور في السؤال معرفة له فلا يكون لفظة ما الا كناية عن الخبر لا عن كل شيء.» (نائینی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۵۵)

معنای لغوی شهرت: ایشان معتقد است «شهره» در این روایات به معنای اصطلاحی آن (ذهاب اکثر) نیست، بلکه به معنای لغوی (ظهور و وضوح) است. پس «مشهور» یعنی «شیء ظاهر و واضح» که معارض آن «شاذ نادر» (غیر واضح) خواهد بود.

«هذا مع ان الظاهر من لفظ الشهرة المذكورة في الرواية ليس هو المعنى المصطلح بين الفقهاء و إلاّ لما أمكن فرض الشهرة المذكورة في الرواية ليس هو المعنى المصطلح بين الفقهاء و إلاّ لما أمكن فرض الشهرة في كل من الروایتین بل المراد منه هو المعنى اللغوي و هو ما يكون ظاهرا و بينا.» (نائینی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۵۵)



ضعف تعلیل مقبوله: ایشان تعلیل «فإنّ المجمع علیه لا ريب فيه» را نیز برای حجیت شهرت فتواییه نامربوط می‌داند. زیرا «مجمع علیه» در اینجا به معنای اتفاق کل بر روایت است (نه فتوا)، و «مشهور» به معنای لغوی (ظاهر) است. همچنین این تعلیل از نوع علل منصوصه کلی نیست که بتوان از مورد خود تعدی داد. اگر مراد از «لا ريب فيه» مطلق عدم ريب باشد، به توالی فاسده‌ای مانند حجیت هر مرجحی یا ظن مطلق می‌انجامد.

«أمّا التعلیل: فلاّنه ليس من العلة المنصوصة ليكون من الكبرى الكلية التي يتعدى عن موردها... بل لا بد من أن يكون المراد منه عدم الريب بالإضافة إلى ما يقابله، وهذا يوجب خروج التعلیل عن كونه كبرى كلية...» (نائینی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۷۶-۱۷۷)

۱.۳.۲. نقد استدلال به آیه نبأ

نائینی این استدلال را ضعیف‌تر از مورد قبل می‌داند. تعلیل آیه نبأ (أن تصیبوا قوما بجهالة) تنها دلالت می‌کند که هر عملی که جهالت‌آور باشد ممنوع است، اما دلالت نمی‌کند که هر آنچه جهالت‌آور نباشد، واجب است. این تعلیل مفهوم (مفهوم مخالف) ندارد.

«وفیه: أن أقصى ما يقتضيه التعلیل هو عدم جواز الأخذ بكل ما يقتضی الجهالة والسفاهة خبرا كان أو غيره، وهذا لا يقتضی وجوب الأخذ بكل ما ليس فيه جهالة، إذ ليس له مفهوم حتی يتمسك به.» (نائینی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۷۷)

۱.۳.۳. نقد استدلال به اولویت از خبر واحد

ایشان این استدلال را نیز نمی‌پذیرد. اگرچه ظن حاصل از شهرت فتواییه قوی‌تر از ظن خبر واحد است، اما حجیت خبر واحد به دلیل ادله خاص آن است و نه صرف ظن‌آوری. اگر ملاک حجیت خبر صرفاً ظن بود، آنگاه می‌توان به نوعی حجیت شهرت قائل شد، اما این مبنا مورد قبول نیست.

«وفیه: أن حجیة الخبر ليس لأجل إفادته الظن، بل لأجل قيام الدلیل علیه وإن كانت الحكمة في حجیته كونه مفیداً للظن نوعاً.» (نائینی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۷۸)

در مجموع، میرزای نائینی نیز شهرت فتواییه را فاقد حجیت مستقل می‌داند و استدلالات قائلین به آن را نقد می‌کند.

۱.۴. آیت‌الله خوئی (متوفی ۱۴۱۱ ق)

آیت‌الله خوئی یکی دیگر از برجسته‌ترین علمای مکتب نجف است که به تفصیل به بحث حجیت شهرت فتواییه پرداخته و آن را فاقد حجیت مستقل می‌داند. ایشان در کتاب "مصباح

الاصول"، شقوق مختلف شهرت را بررسی کرده و به نقد ادله حجیت، از جمله مقبوله و مرفوعه، اولویت قطعی و تعلیل آیه نبأ می‌پردازد.

ایشان در مباحث خود، ابتدا به بررسی شهرت روایی و شهرت عملی می‌پردازد و سپس وارد بحث اصلی، یعنی حجیت شهرت فتوائیه، می‌شود و آن را محل کلام حجیت یا عدم حجیت می‌داند.

«(القسم الثالث) - هي الشهرة بمعنى اشتهار الفتوى بحكم من الأحكام من دون أن يعلم مستند الفتوى، وهذه الشهرة هي محل الكلام فعلا من حيث الحجية و عدمها وقد استدل على حجيتها بوجوه:» (خویی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۴۲)

۱/۴/۱. نقد استدلال به مقبوله عمر بن حنظله و مرفوعه زراره

آیت الله خویی استدلال به این دو روایت برای حجیت شهرت فتوائیه را از چند جهت رد می‌کند:

ضعف سندی: ایشان هر دو روایت را از نظر سندی مخدوش می‌داند. مرفوعه زراره را به دلیل ارسال و عدم توثیق راوی (به رغم رد دعوی انجبار آن با عمل مشهور) و مقبوله عمر بن حنظله را به دلیل عدم ثبوت وثاقت عمر بن حنظله (ورد روایتی که به توثیق او دلالت دارد به دلیل ضعف سند آن روایت) ضعیف می‌شمارد.

«و المحتملات في قوله: «المجمع عليه» بالنظر البدوي أربعة: المتفق عليه عند الجميع أو المشهور بين الأصحاب في قبال الشاذ النادر، وعلى الوجهين الاتفاق أو الشهرة في الرواية أو في الفتوى فهذه أربعة... وفيه (أولا) - ما تقدم من عدم تمامية المقبولة و المرفوعة من حيث السند فلا يصح الاستدلال بهما.» (خویی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۴۰-۱۴۳)

عدم دلالت بر شهرت فتوائیه: حتی با فرض صحت سند، آیت الله خویی معتقد است که منظور از "المجمع عليه" در مقبوله، "خبر مقطوع الصدور" است که امام (ع) آن را داخل در امر "بین ریشه" دانسته است. همچنین، "مشهور" در مرفوعه را به معنای لغوی آن (ظاهر و واضح) می‌داند، نه شهرت اصطلاحی. بنابراین، هر دو روایت بر اخذ به امری دلالت دارند که قطعاً صادر شده یا واضح الصدور است و ارتباطی به شهرت فتوائیه صرف ندارند.

«و (ثانياً) - ما تقدم أيضاً من ان المراد بالمجمع عليه هو الخبر المقطوع صدوره، لأن الإمام عليه السلام قد أدخله في امر بين ریشه، وكذا المراد بالمشهور في المرفوعة هو المشهور اللغوي، أي الظاهر الواضح، فالمراد بهما هو الأخذ بالمقطوع، فلا ربط لهما بالشهرة الفتوائية.» (خویی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۴۳)

قید مورد سؤال: حتی با اغماض از موارد فوق، ایشان معتقد است که این روایات اطلاقی ندارند که شهرت فتوائیه را شامل شود، زیرا سؤال از تعارض دو "خبر" بوده است. مانند اینکه اگر کسی از دو مسجد، مسجدی را که اجتماع در آن بیشتر است ترجیح دهد، به این معنی نیست که هر مکانی که اجتماع در آن بیشتر باشد را ترجیح می‌دهد.



«و (ثالثاً) - انه مع الغض عما تقدم لا إطلاق لهما ليشمل الشهرة الفتوائية، لأن المراد من الموصول هو خصوص الخبر المشهور، بقرينة ان السؤال انما هو عن الخبرين المتعارضين، ... فحينئذ لا إطلاق للصلة ليشمل مطلق المشهور.» (خویی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۴۳-۱۴۴)

۱/۴/۲. نقد استدلال به اولویت قطعی

آیت الله خویی این استدلال را نیز مردود می‌داند. او می‌گوید این استدلال بر این فرض باطل بنا شده که ملاک حجیت خبر واحد، صرفاً ظن آوری آن است. ایشان احتمال می‌دهد که ملاک حجیت خبر، غالب المطابقه بودن آن با واقع باشد، از این جهت که اخبار از حس است و احتمال خطای در حس بعید است، در حالی که فتوا اخبار از حدس است و احتمال خطا در آن بعید نیست. صرف احتمال دخالت خصوصیات دیگر در ملاک حجیت خبر، اولویت را منتفی می‌کند.

«وفیه ان هذا الوجه مبني على ان يكون ملاك حجية الخبر إفادته الظن... و يحتمل أيضاً دخل خصوصية أخرى في ملاك حجية الخبر. و مجرد احتمال ذلك كاف في منع الأولوية المذكورة، لأن الحكم بالأولوية يحتاج إلى القطع بالملاك و كل ما له دخل فيه.» (خویی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۴۴-۱۴۵)

۱/۴/۳. نقد استدلال به تعلیل آیه نبأ

استدلال به آیه نبأ (فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ) که عمل به شهرت فتواییه را سفاهت نمی‌داند، نیز از منظر آیت الله خویی مخدوش است. او معتقد است که منظور از "جهالة" در آیه، یا "سفاهت" به معنای عدم لحاظ مصلحت است که در این صورت، عمل به شهرت فتواییه بدون دلیل حجیت، سفاهت محسوب می‌شود؛ یا "جهل" به معنای عدم علم است که در این صورت نیز شهرت، علم آور نیست.

«وفیه منع الصغرى و الكبرى (اما الصغرى) فلان المراد من الجهالة في الآية الشريفة إما السفاهة... و ان كان المراد منها الجهل بمعنى عدم العلم، فالامر أوضح، إذ الشهرة لا تفيد العلم فيكون العمل بها جهالة لا محالة.» (خویی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۴۵)

ایشان همچنین اشکال کبروی را نیز مطرح می‌کند و می‌فرماید هرچند تعلیل می‌تواند حکم را تعمیم دهد، اما دلالت بر نفی حکم از غیر مواردی که علت در آن‌ها نیست، نمی‌کند، مگر با انحصار علت که از تعلیل استفاده نمی‌شود. آیت الله خویی در توضیح خود، بین عموم تعلیل و مفهوم مخالف آن تفکیک قائل می‌شود. او بیان می‌کند که عموم تعلیل صرفاً حکم را در موارد مشابه تعمیم می‌دهد، اما به معنای آن نیست که هر آنچه مسکر نباشد، حلال است (مفهوم مخالف). چه بسا امری مسکر نباشد ولی به علت دیگری مانند نجاست یا غصبی بودن، حرام باشد. بر این اساس، صرف اینکه عمل به شهرت فتوایی سفاهت آور نباشد (صغرا نیز مورد

مناقشه است)، به معنای عدم وجوب تبیین در آن (حجیت) نیست. تبیین ممکن است واجب باشد، حتی اگر عمل به آن سفاهت آور نباشد.

«و (اما منع الكبرى) فلان التعليل وان كان يقتضي التعميم، إلا انه لا يقتضي نفي الحكم عن غير مورده مما لا توجد فيه العلة، إذ لا مفهوم له، لأنه فرع انحصار العلة، وهو لا يستفاد من التعليل،... فالحكم بوجوب التبين - في كل ما كان العمل به سفاهة لعموم التعليل - لا يدل على عدم وجوب التبين في كل ما ليس العمل به سفاهة، بل يمكن ان يكون التبين فيه واجباً مع عدم كون العمل به سفاهة.» (خویی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۴۶)

در نتیجه، آیت الله خویی به صراحت بیان می‌دارد که شهرت فتواییه، دلیلی بر حجیت ندارد.

۲. فصل دوم: حجیت شهرت فتوایی در مکتب قم

در مکتب قم نیز بحث حجیت شهرت فتواییه به طور گسترده‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. عالمان این مکتب، با وجود اشتراکاتی با مکتب نجف در نقد برخی ادله، رویکرد متفاوتی را در قبال شهرت فتواییه، به ویژه در موارد خاص، اتخاذ کرده‌اند.

۲/۱. محقق حائری یزدی (متوفی ۱۳۵۵ ق)

محقق حائری یزدی در کتاب خود، "دررالفوائد"، به بررسی حجیت شهرت فتواییه می‌پردازد. ایشان مانند بسیاری از اصولیان، حجیت مستقل شهرت فتواییه را نمی‌پذیرد و دلایل اقامه شده برای آن را مخدوش می‌داند.

ایشان حجیت شهرت فتواییه را از دو منظر مورد بررسی و نقد قرار می‌دهد:

۲/۱/۱. نقد استدلال از ادله حجیت خبر واحد

برخی مدعی شده‌اند که ادله حجیت خبر واحد به طریق مفهوم موافقت یا تنقیح مناط، بر حجیت شهرت فتواییه دلالت دارند، چرا که شهرت، کشف اقوایی از واقع دارد. محقق حائری هر دو این مدعا را رد می‌کند.

در مورد مفهوم موافقت، ایشان بیان می‌کند که دلالت لفظ بر این مفهوم باید عرفی و مقصود از کلام باشد؛ همانند دلالت آیه «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ» بر حرمت ضرب والدین. اما عرف از ادله حجیت خبر واحد این را نمی‌فهمد که مقصود، بیان اعتبار مطلق ظن است.

«و ما يمكن ان يستدل به عليها امران: احدهما: الادلة الدالة على حجية خبر الواحد، اما



بدلالاتها علی ذلك لمفهوم الموافقة كما قد يتوهم... و الخدشة في كليهما واضحة، اما الاول فلان ما يكون من باب مفهوم الموافقة يعتبر فيه دلالة اللفظ عليه عرفا... و لا اشكال في ان العرف لا يفهم من القضية الدالة على حجية الخبر الواحد انها سيقت لبيان اعتبار مطلق الظن.» (حائری، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۷۸)

در مورد تنقیح مناط، ایشان معتقد است اگر مراد، تنقیح مناط ظنی باشد، اثری ندارد زیرا دلیلی بر حجیت این ظن وجود ندارد. اگر هم مراد، تنقیح مناط قطعی باشد، کسی نمی‌تواند قطع به آن پیدا کند. ایشان حجیت خبر واحد را صرفاً به معنای ظن آوری نمی‌داند، بلکه آن را مطابقت با واقع در اکثر موارد تلقی می‌کند، به گونه‌ای که احتمال تخلف بسیار اندک باشد. و چون نمی‌توان قطع پیدا کرد که شهرت فتوائیه نیز چنین غلبه‌ای در مطابقت با واقع دارد، نمی‌توان آن را به اعتبار خبر واحد حجت دانست.

«و اما الثاني فلانه ان اراد تنقيح المناط الظني فلا يفيد، لعدم الدليل على اعتبار هذا الظن، و ان اراد تنقيح المناط القطعي فأتى لاحد القطع بذلك... و لو فرضنا العلم بمطابقته غالبا فلا نعلم حصول تلك المرتبة من الغلبة التي رأها الشارع في الخبر.» (حائری، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۷۸)

۲/۱/۲. نقد استدلال از اخبار تعارض

استدلال به اخباری مانند «خذ بما اشتهر بين اصحابك» (مرفوعه زاره) که در باب تعارض اخبار وارد شده‌اند، نیز از سوی محقق حائری رد می‌شود. ایشان تصریح می‌کند که این عبارات دلالتی بر حجیت شهرت فتوائیه ندارند. زیرا اگرچه مورد آن (تعارض اخبار) خاص است و ممکن است عموم جواب مورد نظر باشد، اما موصول در این عبارات (ما) به معنای «خبر» است نه مطلق «چیز». حتی اگر عموم پذیرفته شود، «اشتهار» در اینجا به معنای «وضوح» لغوی است نه شهرت اصطلاحی. نهایت دلالت این روایات آن است که شهرت می‌تواند مرجح باشد، نه اینکه به خودی خود حجیت مستقل داشته باشد.

«الامر الثاني: بعض الاخبار الواردة في تعارض الخبرين الدال على الاخذ بالشهرة كقوله عليه السلام «خذ بما اشتهر بين اصحابك»... وفيه ان الموصول عبارة عن الخبر لا كل شيء، و هو واضح، و ان سلمنا عمومها فالاشتهار عبارة عن الوضوح لا الشهرة في الاصطلاح، و ان سلمنا فغاية الامر كون الشهرة مرجحة، و لا تلازم بين المرجحية و الحجية مستقلة.» (حائری، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۷۸)

در مجموع، محقق حائری نیز حجیت مستقل شهرت فتوائیه را نمی‌پذیرد و ادله آن را سست می‌شمارد.

۲/۲. محقق بروجردی (متوفی ۱۳۸۰ ق)

آیت‌الله بروجردی، از اساتید برجسته مکتب قم، رویکرد بسیار مهمی در بحث شهرت فتواییه ارائه داده‌اند که تأکید فراوانی بر تمایز میان انواع مسائل فقهی و همچنین تحلیل دقیق روایات مستند حجیت دارد. ایشان شهرت فتواییه را اگرچه به خودی خود حجت نمی‌دانند، اما بین مسائل فقهی تمایز قائل شده و حجیت شهرت را در "مسائل اصلی" و "مقلقاته از ائمه (ع)" می‌پذیرند.

۲/۲/۱. تحلیل مقبوله عمر بن حنظله و مرفوعه زراره

آیت‌الله بروجردی به تفصیل به بررسی دلالت مرفوعه زراره و مقبوله عمر بن حنظله بر حجیت شهرت فتواییه می‌پردازد.

در مورد مقبوله، عبارت «المجمع علیه» چهار احتمال دارد: الف. اتفاق جمیع بر روایت ب. شهرت روایت ج. اتفاق جمیع بر فتوا د. شهرت فتوا.

ایشان احتمالات اول و سوم (اتفاق جمیع بر روایت یا فتوا) را باطل می‌داند، زیرا چنین اتفاق کاملی در خارج محقق نشده است (اصحاب ائمه چهار هزار نفر بودند و چنین اتفاقی بر یک روایت رخ نداد) و نیز وجود شاذ در قبال آن در روایات، نشان می‌دهد مراد اتفاق مطلق نیست؛ چرا که اگر فتوا محل اتفاق کل بود، قول مخالف آن جای ریب و تردید نداشت.

«المحتملات في قوله: «المجمع عليه» بالنظر البدوي أربعة: المتفق عليه عند الجميع أو المشهور بين الأصحاب في قبال الشاذ النادر، وعلى الوجهين الاتفاق أو الشهرة في الرواية أو في الفتوى فهذه أربعة. أما احتمال كون المراد الاتفاق في الرواية فهو باطل قطعاً لعدم وقوع هذا الأمر خارجاً... وكذا احتمال كون المراد الاتفاق في الفتوى إذ الاستفادة من الحديث وجود الشاذ في قباله... وبعبارة أخرى: المقصود بالمجمع عليه بقريظة ذكر الشاذ الذي ليس بمشهور في قباله هو المشهور لا المتفق عليه.» (بروجردی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۰۰-۲۰۱)

همچنین ایشان احتمال شهرت روایی را نیز باطل می‌داند، زیرا اگر مراد از شهرت، صرف کثرت راویان باشد، لازم می‌آید که به روایتی که مشهور روایت شده ولی فقها از آن اعراض کرده‌اند، عمل شود که این خود محل ریب است نه مورد «لا ریب فيه».

«و کذا احتمال ان يكون المراد الشهرة الروائية لوضوح بطلانه و ان أصر عليه بعض، إذ مقتضى إطلاقه على هذا لزوم الأخذ بالرواية التي رواها أكثر الأصحاب و ان عرضوا عنه و كان فتوى الجميع حتى الرواة لها مخالفة لها. وهذا مما لا يمكن الالتزام به. كيف؟! و الرواية على هذا تصير مما فيه كل الریب فكيف يحكم بكونها مما لا ریب فيه.» (بروجردی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۰۱)

پس، تنها احتمال باقی مانده این است که منظور از «مجمع علیه» در مقبوله، «شهرت فتواییه» باشد، یعنی مفاد روایت، هم از نظر فتوا و هم از نظر عمل در میان اصحاب، مشهور



باشد. ایشان اشکال شیخ انصاری را که «مورد تعلیل، شهرت در روایت است» نقد می‌کند. «بقی من الاحتمالات ان يكون المقصود، الشهرة الفتوائية بان يكون مفاد الرواية مشهورا بين الأصحاب إفتاء وعملا». (بروجردی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۰۱)

ایشان نتیجه می‌گیرد که منظور از «معرفت اصحاب» به روایت، معرفت به مضمون آن به عنوان حکم شرعی و مطابقت آن با رأی امام (ع) است. بنابراین، منظور از شهرت در حدیث، «اشتهار إفتاء به روایت در میان اصحاب» است، حتی اگر راوی آن یک یا دو نفر باشند، و روایتی که مشهور بر طبق آن فتوا نداده‌اند، باید ترک شود.

«فالظاهر ان المقصود بمعرفة الأصحاب لها معرفتهم لمضمونها بعنوان الحكم الشرعي و انه مطابق لرأي الإمام. فيكون المقصود بالشهرة في الحديث، اشتهار الإفتاء بالرواية بين الأصحاب و ان كان راويه واحدا أو اثنين و يترك الرواية التي لم يفت بها المشهور بل أعرضوا عنها». (بروجردی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۰۲)

محقق بروجردی تصریح می‌کند که شهرت در این روایات به معنای لغوی (وضوح) است، نه معنای اصطلاحی اصولیین (ذهاب اکثر). به این ترتیب، شهرت فتوائیه (اشتهار إفتاء و عمل اصحاب به مضمون روایت) را مرجح یکی از دو روایت متعارض و باعث «لا ريب فيه» شدن آن می‌داند، نه صرف شهرت روایی بدون عمل.

«ليس المقصود بالشهرة في الحديث، الشهرة بالمعنى الاصطلاحي بين الأصوليين أعني ذهاب الأكثر إلى مسألة. بل يراد بها معناها اللغوي أعني الوضوح... وقد تحصل مما ذكرنا ان الشهرة الفتوائية بين الأصحاب، أعني إفتاءهم بمضمون الرواية و الأخذ بها في مقام العمل، هو المرجح لإحدى الروایتين المتعارضتين و يجعلها مما لا ريب فيه، لا الشهرة الروائية فقط من دون الأخذ بها و الاعتماد عليها». (بروجردی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۰۳)

ایشان نتیجه می‌گیرد که هر چند این دو حدیث (مقبوله و مرفوعه) در وهله اول شهرت فتوائیه را مرجح برای روایات واجد شرایط حجیت می‌دانند، اما می‌توان حجیت خود شهرت فتوائیه را با «إفتاء خصوصیه» از این احادیث استظهار کرد.

«و لكن الأظهر مع ذلك، التفصيل و القول بحجية الشهرة الفتوائية بنفسها في المسائل الأصلية المبنية على نقلها بألفاظها، و كشف الشهرة عن تلقيها عن الأئمة المعصومين عليهم السلام». (بروجردی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۰۵)

۲/۲/۲. تقسیم‌بندی مسائل فقهی و حجیت شهرت

ایشان مسائل فقهی را به سه دسته اصلی تقسیم می‌کنند:

مسائل اصلی (مأثوره): مسائلی که مستقیماً از ائمه (ع) نقل شده‌اند و در کتبی مانند المقنع و الهدایة و المقنعة و النهاية و المراسم و الکافی و المهذب آمده‌اند. در این دسته، شهرت،

کاشف از تلقی از ائمه (ع) بوده و موجب وثوق به صدور آنها از معصومین (ع) می‌گردد و لذا حجیت دارد.

«الأول: المسائل الأصلية المأثورة عن الأئمة عليهم السلام التي ذكرها الأصحاب في كتبهم المعدة لنقل خصوص هذه المسائل... و كان بناء الأصحاب فيها على نقل هذه المسائل بألفاظها المأثورة أو القريبة منها طبقة بعد طبقة، و اتصلت سلسلتها إلى أصحاب الأئمة فيكون وزانها وزان الاخبار المأثورة في كتب الرواية.» (بروجردی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۰۵)

مسائل تفریعی (مستنبطه): مسائلی که با اجتهاد از مسائل اصلی استنباط شده‌اند. در این نوع مسائل، شهرت فتواییه سودی ندارد و به حجیت نمی‌رسد. حتی اجماع در این مسائل هم مفید نیست.

«الثاني: المسائل التفرعية المستنبطة من المسائل الأصلية باعمال الاجتهاد والنظر... فلا تفيد الشهرة فيهما شيئا، بل الظاهر ان الإجماع فيها أيضا غير مفيد.» (بروجردی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۰۶)

مسائل مربوط به موضوعات احکام: مسائلی که به بیان موضوعات احکام و حدود و قیود آنها می‌پردازند و مشابه مسائل تفریعی است از لحاظ عدم حجیت شهرت.

«الثالث: المسائل المتصدية لبيان موضوعات الأحكام و حدودها و قيودها.» (بروجردی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۰۶)

آیت‌الله بروجردی با این تقسیم‌بندی، چالش عدم وجود دلیل روایی برای حدود ۹۰ مسئله فقهی (به ویژه در باب موارد) را مرتفع می‌سازد و اهمیت شهرت فتوایی قدما را در این موارد نمایان می‌کند.

۲/۳. امام خمینی (متوفی ۱۴۰۹ ق)

امام خمینی نیز در بحث حجیت شهرت فتواییه، رویکردی متفاوت با مطلق‌گرایی در نفی حجیت دارد و به تفکیک میان شهرت قدما و متأخرین قائل می‌شود.

۲/۳/۱. عدم حجیت شهرت فتواییه متأخرین

ایشان در کتاب "تهذیب الاصول"، شهرت فتواییه متأخرین را حجت نمی‌داند، زیرا این نوع شهرت در تفریعات فقهی است و دلیلی بر حجیت آن نیست. تمام استدلالاتی که برای آن ذکر



شده (مانند فحوی ادله حجیت خبر واحد، تنقیح مناط، تعلیل آیه نبأ، یا دلالت مقبوله و تعلیل آن) را از ضعف بی‌نیاز از بیان صریح می‌داند.

«لا إشكال في عدم حجّية الشهرة الفتوائية في التفريعات الفقهية الدائرة بين المتأخرين من زمن شيخ الطائفة إلى زماننا هذا. وما استدلوا به على حجّيتها من التمسك بفحوى أدلة حجّية الخبر الواحد أو تنقيح المناط أو تعليل آية النبأ أو دلالة المقبولة أو تعليلها لا يخلو من ضعف غني عن البيان.» (امام خمینی، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۴۲)

۲/۳/۲. حجیت شهرت فتوائیه قدما

اما امام، شهرت فتوائیه قدما را حجت می‌داند. منظور از قدما، اصحابی هستند که روش کاریشان بر حفظ اصول و فتاوی ماثوره سینه به سینه تا زمان ائمه (ع) بوده است. ایشان معتقدند در این نوع شهرت، مناط اجماع وجود دارد و موجب حدس قطعی به وجود نص معتبر در میان آنها، یا معروفیت حکم از زمان ائمه (ع) می‌شود.

«وإنما الكلام في الشهرة المتقدمة على الشيخ - أعني الشهرة الدائرة بين قدماء أصحابنا، الذين كان دیدنهم التحفظ على الأصول والإفتاء بمتون الرواية إلى أن ينتهي الأمر إلى أصحاب الفتوى والاجتهاد - فالظاهر وجود مناط الإجماع فيه، وكونه موجبا للحدس القطعي على وجود نص معتبر دائر بينهم، أو معروفية الحكم من لدن عصر الأئمة، كما أشرنا إليه.» (امام خمینی، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۴۲)

امام، ادعای شیخ طوسی در مقدمه المبسوط مبنی بر اینکه قدما جامد بر نصوص بودند و او آن شیوه را نقض کرده، را غیر ظاهر و رد می‌کند و می‌فرماید بعد از بررسی، کتب تألیف شده در آن عصر یا قبل از آن، این ویژگی را ندارند. بلکه روش گروه قبل از اصحاب فتوا، همان نقل روایات مطابق با فتوایشان یا نقل الفاظ آنها بوده است. بر این اساس، اگر گفته شود در چنین شهرتی مناط اجماع، بلکه خود اجماع است، دور از ذهن نیست.

«و أمّا ما اشتهر من الشيخ عن مقدمته «المبسوط» من أنّ دیدن الأصحاب قد كان جارياً على الجمود على النصوص، من دون أدنى خروج من ظواهرها... فغير ظاهر؛ فإنّا بعد الفحص لم نجد الكتب المؤلفة في عصره أو في عصر قبله على ما وصفه... وعلى ذلك فلو قلنا: إنّ في مثل تلك الشهرة مناط الإجماع، بل الإجماع ليس إلاّ ذلك فليس ببعيد.» (امام خمینی، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۴۳)

ایشان برای حجیت این نوع شهرت، به تعلیل وارد در مقبوله عمر بن حنظله (فإنّ المجمع عليه لا ريب فيه) استدلال می‌کند و معتقد است اشتها بین اصحاب در آن دوران - به نحوی که قول مخالف، شاذ و مورد اعراض باشد و مضر به عرف اجماع نباشد - بدون شبهه کاشف از رأی معصوم (ع) است و این همان اجماع معتبری است که "لا ريب فيه" است.

«و يمكن أن يستدلّ على حجّيتها بالتعليل الوارد في مقبولة عمر بن حنظلة؛ حيث قال: «ينظر إلى ما كان من روايتهم عنّا في ذلك الذي حكما به المجمع عليه بين أصحابك... فإنّ المجمع عليه لا ريب فيه». وجه الاستدلال: أنّ الاشتهار بين الأصحاب في تلك الأزمنة... لا شبهة في كشفه عن رأي المعصوم و حجّيته، وهذا هو الإجماع المعتبر الذي يقال في حقّه: إنّه لا ريب فيه.» (امام خمینی، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۴۳-۱۴۴)

امام خمینی به نقد برخی از بزرگان عصر خود (اشاره به میرزای نائینی) در تضعیف این استدلال نیز می‌پردازد. محقق نائینی بیان می‌کند که تعلیل «فإنّ المجمع عليه لا ريب فيه» یک علت منصوص کلی نیست، زیرا اگر مراد از آن اجماع مصطلح باشد، شامل شهرت فتوائیه نمی‌شود، و اگر مراد مشهور باشد، نمی‌توان به اطلاق «مما لا ريب فيه» را بر آن حمل کرد، بلکه مراد عدم ريب نسبت به مقابل آن است که این موجب خروج تعلیل از کلیت می‌شود. امام در پاسخ به این نقد می‌فرماید: کبرای کلی، صرفاً مسلوب‌الریب بودن نسبت به غیر نیست، بلکه چیزی است که مطلقاً عرفاً «لا ريب فيه» باشد، به گونه‌ای که طرف مقابل آن نزد عقلا شاذ و بی‌اعتبار تلقی شود. مصادیق مورد اشاره منتقد اینگونه نیستند. عدم ريب، از معانی نفسانی است نه اضافی، و تنها با فقدان مطلق ريب صدق می‌کند. بنابراین «لا ريب فيه» کبرایی کلی است و هر چه عرفاً مصداق آن باشد، حجت است و نقض‌هایی که مطرح شده، وارد نیست.

«ثمّ إنّ بعض أعظم العصر قدس سره قد ضعف هذا الاستدلال... وفيه: أنّ الكبرى ليست مجرد كون الشيء مسلوباً عنه الريب بالإضافة إلى غيره حتّى يتوهم سعة نطاق الكبرى، بل الكبرى كون الشيء ممّا لا ريب فيه بقول مطلق عرفاً؛ بحيث يعدّ طرف الآخر شاذّاً نادراً لا يعبأ به عند العقلاء... فالظاهر: أنّ عدم الريب ليس من المعاني الإضافية حتّى يقال: لا ريب فيه بالنسبة إلى مقابله، بل من المعاني النفسية التي لا يصدق إلاّ مع فقد الريب بقول مطلق عن شيء. فقول «لا ريب فيه» كبرى كلیّة، وكلّ ما كان كذلك عرفاً يجب الأخذ به، ولا يرد عليه ما جعله نقضاً لذلك.» (امام خمینی، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۴۴-۱۴۵)

در نهایت، امام خمینی نیز به حجیت شهرت فتوائیه قداما قائل است، به شرط آنکه موجب حدس به ثبوت حکم (و نه صرف تفریعات اجتهادی) شود و آن را مناط اجماع می‌داند.

۲/۴. آیت‌الله سبحانی (متولد ۱۳۴۷ ق)

آیت‌الله سبحانی، از شاگردان برجسته امام خمینی، نیز دیدگاهی توسعه‌یافته در خصوص حجیت شهرت فتوائیه (مجرد از سایر ادله)، به ویژه در ارتباط با فقه منصوص، ارائه کرده‌اند.

۲/۴/۱. دیدگاه درباره شهرت عملی و نسبت آن با حجیت

ایشان در ابتدا بیان می‌کنند که برخی اصولیون، شهرت عملی را از "مرجحات" در باب تعارض اخبار دانسته‌اند.



«وَأَمَّا إِفَادَةُ الْمُحَقِّقِ الْخُرَاسَانِيِّ مِنْ أَنَّ الْمُرَادَ مِنْ «مَا» الْمَوْصُولَةُ هُوَ الرَّوَايَةُ وَلَا يَعْمُ الْإِفْتَاءُ وَإِنْ كَانَ صَحِيحاً، لَكِنَّ الْمُرَادَ الرَّوَايَةَ الَّتِي عَمِلُوا بِهَا وَأَفْتَوْا بِمُضْمُونِهَا.» (سبحانی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۱۹۱)

شهرت عملی به عنوان جابر ضعف سند: اگر روایتی ضعیف‌السند باشد، اما فقهای مشهور (خصوصاً قدما) بر اساس آن فتوا داده و عمل کرده باشند، این عمل می‌تواند ضعف سند را جبران کند، زیرا عمل اکابر و قدما، وثوق به صدور روایت از معصوم را ایجاد می‌کند. ایشان در پاسخ به اشکال محقق خوئی (که از انضمام دو امر غیرحجت، امر حجت حاصل نمی‌شود و احراز استناد قدما به خبر ضعیف مشکل است) می‌فرماید: مبنای حجیت، حصول وثوق است که با انضمام خبر ضعیف و عمل مشهور ممکن است حاصل شود. همچنین، در سبک نگارش "فقه منصوص" قدما، تضافر فتاوی آن‌ها کاشف از اعتمادشان بر آن روایت است.

«العملية كالجابر لضعف السند و الكاسر لصحة السند... و ذلك لأن المبنى في حجة الخبر على الوثوق بصدور الخبر أو وثاقة المخبر، فمتى حصل الوثوق بصدور الخبر يعمل به.» (سبحانی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۱۹۲)

اعراض مشهور به عنوان کاسر حجیت: اگر روایتی صحیح‌السند باشد، اما مشهور فقها از آن اعراض کرده و بر خلاف آن فتوا داده باشند، این اعراض می‌تواند حجیت روایت را از بین ببرد، زیرا چنین روایتی مصداق "شاذ نادر" و "مالا ريب في بطلانه" محسوب می‌شود. ایشان در پاسخ به اشکال محقق خوئی (که اعراض مشهور، خبری را که مشمول سیره و اطلاقات ادله حجیت خبر واحد است از حجیت نمی‌اندازد) می‌فرماید: دلیل اصلی حجیت خبر، سیره عقلائییه است و در موردی که اکابر از خبری اعراض کرده‌اند، عقلای مشرعه از عمل به آن توقف می‌کنند.

«وَأَمَّا إِعْرَاضُ الْمَشْهُورِ عَنِ رَوَايَةِ أَوْ فَتْوَاهُمْ عَلَى خِلَافِهَا، فَهُوَ أَيْضاً لَا يُوجِبُ وَهْنَهَا إِذَا كَانَتْ الرَّوَايَةُ صَحِيحَةً.» (سبحانی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۱۹۳)

۲/۴/۲. تفکیک مسائل فقهی (فقه منصوص در مقابل فقه مستنبط)

آیت‌الله سبحانی به تفکیک میان مسائل فقه مستنبط و فقه منصوص می‌پردازد:

۱. مسائل تفریعی یا فقه مستنبط: مسائلی که نص خاصی در آن‌ها وارد نشده و حکم آن‌ها از قواعد و ضوابط کلی استنباط شده است. در این مسائل، شهرت فتوایی به خودی خود حجت ندارد و ارزش مستقل ایجاد نمی‌کند.

۲. مسائل متلقاة از ائمه (فقه منصوص): مسائلی که احکام آن‌ها مستقیماً از ائمه (ع) دریافت شده است. تشخیص این نوع مسائل با مراجعه به کتب قدما (که متون احادیث را گاهی بدون سند نقل و بر اساس آن‌ها فتوا می‌دادند) ممکن است. ایشان معتقدند اگر فتوایی در میان قدما مشهور باشد و دلیل روایی صریحی برای آن پیدا نشود، این اشتها می‌تواند کاشف از دو

امر باشد:

کشف از اتصال به معصوم: حکم سینه به سینه از عصر ائمه (ع) به فقهای قدما رسیده و فتوای مشهور همان چیزی است که در کتب فقه منصوص آمده است، حتی اگر نص آن به ما نرسیده باشد.

کشف از وجود نص مفقود: این اشتها کاشف از وجود نص معتبری است که در دست قدما بوده ولی به ما نرسیده است.

دلایل ارزش گذاری شهرت فتوایی قدما در فقه منصوص از نظر آیت الله سبحانی:

وجود مسائل بدون دلیل روایی: در فقه امامیه، مسائل بسیاری وجود دارند که فقها بر حکم آنها اتفاق نظر دارند، در حالی که (ظاهراً) دلیلی از کتاب یا سنت برای آنها نیست، جز تسالم و بنای اصحاب. ایشان به نقل از آیت الله بروجردی، این موارد را تا نود مسئله برشمرده که بخش قابل توجهی از آنها در باب موارد حجیت نداشتند باشد، فتاوا بدون دلیل خواهند بود.

«ان في الفقه الإمامي مسائل كثيرة اتفقت كلمة الفقهاء فيها على حكم ليس له دليل من الكتاب والسنة سوى تسالم الأصحاب، وكان السيد المحقق البروجردي ينهاها إلى تسعين، ولكنه قدس سره لم يعين موارد غير ان المظنون أن قسماً وافراً منها يرجع إلى باب المواريث والفرائض، ولو حذفنا الشهرة، لأصبحت المسائل فتاوى فارغة عن الدليل.» (سبحانی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۱۹۸)

سیره اصحاب ائمه (ع): ظاهر برخی روایات نشان می دهد که اصحاب ائمه (ع) به شهرت فتواییه اعتنا داشته و حتی گاهی آن را بر آنچه مستقیماً از امام می شنیدند، ترجیح می دادند. این سیره، شاهدی بر جایگاه بالای شهرت فتواییه در میان اصحاب ائمه (ع) است و حاکی از اعتماد آنها به این نوع شهرت فتواییه در مواردی است که علم به مصدر و منشأ آن حاصل می شد. دو نمونه از این سیره که مؤید این دیدگاه است، در روایات سلمة بن محرز و عبدالله بن محرز آمده است:

روایت سلمة بن محرز: طبق این روایت، سلمة بن محرز پس از شنیدن حکمی از امام (ع) مبنی بر سهم بری دختر (نصف مال پدر)، با اطلاع از فتوای مشهور در میان اصحاب که "همه مال برای دختر است"، در عمل به آنچه شنیده بود توقف می کند (و آن را با تردید می نگرد) و مجدداً از زراره و سپس از امام سؤال می کند. این توقف و سؤال مجدد، حاکی از آن است که اصحاب، شهرت فتوایی را بر یک خبر واحد ولو از خود امام، ارجح می دانسته اند، چرا که شهرت، کاشف از وجود نص معتبرتری در میان قدما بوده که شاید برای او در آن لحظه حاضر نبوده است.

روایت عبدالله بن محرز: در این روایت، امام صادق (ع) ابتدا حکمی را بیان می کنند



(نصف بردن دختر و نصف بردن عصبه)، اما پس از اطلاع از فتوای مشهور اصحاب (که همه مال برای دختر است) و عمل عبدالله به همین فتوای مشهور، امام عمل او را تأیید کرده و می‌فرمایند فتوای قبلی ایشان به جهت تقیه بوده است. این تأیید امام نسبت به عمل عبدالله بر اساس فتوای مشهور (و نه بر اساس کلام ابتدایی خود امام)، به وضوح جایگاه و اعتبار شهرت فتوایی (به معنای کاشفیت از نص واقعی) در میان اصحاب ائمه را نشان می‌دهد. این روایات دال بر این است که شهرت برای آن‌ها، نوعی کاشفیت از یک منبع معتبر و قوی‌تر از آنچه در اختیارشان بود، داشته است.

نتیجه‌گیری

مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های مکتب نجف و قم در خصوص حجیت شهرت فتوائیه، تفاوت‌های مبنایی و رویکردی آشکاری را آشکار می‌سازد. در حالی که مکتب نجف، با محوریت شیخ انصاری، آخوند خراسانی، میرزای نائینی و آیت‌الله خویی، رویکرد سخت‌گیرانه‌ای در قبال حجیت مستقل شهرت فتوائیه دارد و ادله مطروحه برای آن را از حیث سند و دلالت مخدوش می‌داند، مکتب قم با نمایندگانی چون محقق حائری، آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و آیت‌الله سبحانی، با تفکیک میان اقسام شهرت فتوائیه و نوع مسائل فقهی، به نوع خاصی از آن، حجیت یا کاشفیت قائل است.

مکتب نجف بر نفی حجیت مستقل شهرت فتوائیه اصرار ورزید. علمای برجسته این مکتب، همچون شیخ انصاری و آخوند خراسانی، استدلال به اولویت از خبر واحد، تعلیل آیه نبأ، و دلالت مقبوله و مرفوعه را برای اثبات حجیت شهرت فتوائیه رد کردند. دلیل اصلی رد آن‌ها این بود که این ادله یا از حیث سندی مخدوش بودند و یا دلالت آن‌ها بر حجیت "صرف فتوا" نامفهوم بود و غالباً به شهرت در "روایت" یا "عمل به روایت" اشاره داشتند. میرزای نائینی نیز با تحلیل‌های دقیق خود، دلالت روایات را صرفاً محدود به خبر و شهره به معنای وضوح و ظهور لغوی دانست و حجیت مستقلی برای شهرت فتوائیه قائل نشد. آیت‌الله خویی نیز با تحلیل‌های عمیق سندی و دلالتی، نتیجه گرفت که هیچ دلیل معتبری بر حجیت شهرت فتوائیه وجود ندارد و بر عدم حجیت آن تأکید کرد. برای این مکتب، حجیت هر اماره‌ای نیازمند دلیل شرعی قاطع است و "ظن" حاصل از شهرت فتوائیه نمی‌توانست به خودی خود حجت باشد.

مکتب قم، با اذعان به نارسایی ادله عام حجیت برای شهرت فتوائیه، میان شهرت متأخرین و قدما و همچنین میان مسائل فقهی تفکیک قائل شد. نقاط کانونی رویکرد مکتب قم عبارتند از:

حجیت شهرت فتوائی قدما: محقق حائری و امام خمینی به تصریح، شهرت فتوائیه قدما (یعنی فتاوی مشهور میان اصحابی که روش کاریشان بر ضبط اصول متلقا از ائمه بوده) را حجت دانستند. این حجیت نه از باب "ظن‌آوری" صرف، بلکه از باب "کاشفیت" از دلیل معتبر یا اتصال به معصوم بود. امام خمینی صریحاً نقد منکران این دلالت را مردود شمرد و شهرت قدما را مناط

اجماع معتبر دانست.

تحلیل جامع مرفوعه و مقبوله: آیت‌الله بروجردی با تحلیل دقیق مرفوعه زراره و مقبوله عمر بن حنظله، نتیجه گرفت که منظور از "مقبول" و "مشهور"، شهرت فتوائیه (اشتهار إفتاء و عمل) در میان اصحاب است. ایشان این شهرت را مرجح در تعارض روایات و بلکه کاشف از حکم واقعی در مسائل اصلی می‌دانست، که می‌توان با القاء خصوصیت، از آن حجیت مستقیم برای شهرت فتوائیه در این مسائل خاص استظهار کرد.

تفکیک مسائل فقهی (فقه منصوص در مقابل فقه مستنبط): آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله سبحانی به این تمایز تأکید کردند. در مسائل "فقه مستنبط" و "تفریعی" که احکام از قواعد کلی استنباط می‌شدند، شهرت فتوائی فاقد ارزش مستقل بود. اما در "فقه منصوص" و "مسائل اصلی مأثوره" (که احکام مستقیماً از ائمه (ع) دریافت شده بودند)، شهرت فتوائی قدما دارای اعتبار و جایگاه ویژه‌ای بود، زیرا این اشتهار می‌توانست کاشف از نص معتبر مفقود یا تسالم عملی اصحاب از زمان ائمه (ع) باشد. وجود ده‌ها مسئله فقهی که صرفاً مستند به تسالم قدما بودند (مانند ۹۰ مسئله مورد اشاره آیت‌الله بروجردی)، مؤید این دیدگاه بود.

سیره اصحاب ائمه: آیت‌الله سبحانی بر سیره اصحاب ائمه (ع) در اعتنا به شهرت فتوائیه تأکید کرد و آن را نشانه‌ای از مشروعیت این نوع شهرت در فضای خاص فقه منصوص دانست. ایشان با استناد به روایات سلمة بن محرز و عبدالله بن محرز، این نکته را روشن ساخت که اصحاب ائمه، شهرت را در مواردی که حاکی از اتصالی اصیل به معصوم باشد، بر یافته‌های ظاهری خود نیز ارجح می‌دانستند.

در مجموع، می‌توان بیان داشت که مکتب نجف بر حجیت "عام" و "مستقل" برای شهرت فتوائیه تأکید نداشت و آن را فاقد چنین جایگاهی دانست. در مقابل، مکتب قم، با رویکردی جزئی‌تر و با توجه به زمینه‌های تاریخی و ماهیت مسائل فقهی، برای "شهرت فتوائیه قدما" در "مسائل منصوص" قائل به نوعی حجیت (به واسطه کاشفیت) شد، که این رویکرد، راهی برای مستندسازی فتاوی متعدهی فراهم آورد که ظاهراً بدون دلیل روایی بودند و این خود یکی از ابتکارات مهم این مکتب به شمار می‌رود. این تفاوت در رویکرد، نه تنها بر ابواب خاصی از فقه، بلکه بر کلیت روش‌شناسی استنباط در هر یک از این دو مکتب تأثیرگذار بود.

فهرست منابع

انصاری، مرتضی (شیخ اعظم)، ۱۴۲۸ق، فرائد الاصول (الرسائل)، قم: مجمع الفکر الإسلامی.

خراسانی، محمد کاظم (آخوند)، ۱۴۰۹ق، کفایة الاصول، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحیاء التراث.

حائری یزدی، عبدالکریم، ۱۴۱۹ق، درر الفوائد، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة



لجماعة المدرسين بقم المقدسة.

خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۲۱ق، مصباح الاصول، ج ۲، قم: به قلم: محمد سریر، انتشارات دار الهدی.

خمینی، روح الله، ۱۳۷۸ق، تهذیب الاصول، ج ۲، تحقیق: مرتضی فرجی، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

نائینی، محمد حسین (شیخ)، ۱۴۱۸ق، اجود التقريرات، ج ۴، قم: بنیاد امام صادق (ع).

نائینی، محمد حسین (شیخ)، ۱۴۲۲ق، فوائد الاصول، ج ۳، قم: جامعه مدرسین.

بروجردی، حسین، ۱۴۱۵ق، نهاية الاصول، قم: به قلم: حسینعلی منتظری، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۴۲۶ق، إرشاد العقول إلى مباحث الأصول، ج ۳، قم: مؤسسه امام صادق (ع).